

مقدمه

نهاد خانواده به منزله نهادی طبیعی با کارکردهای تولید نسل، تربیت و جامعه‌پذیری انسان شکل می‌گیرد. روابط جنسی بین زن و مرد، سبب تولید و حفظ نسل بشر می‌شود و شهوت جنسی یکی از انگیزه‌های انسان در تشکیل خانواده است. از این حیث ضرورت ارضای نیاز جنسی، مناقشات و مسائل نظری گوناگونی را رقم زده است: تفاوت و تشابه نیاز جنسی با دیگر نیازهای بشر چیست؟ آیا تأمین نیاز جنسی، محدود به کانون خانواده است یا در غیر آن نیز امکان دارد؟ روابط جنسی چه تأثیری بر ارتباطات انسانی می‌گذارد؟ رویارویی و ارتباط زن و مرد تا چه اندازه متأثر از جنس آنهاست؟ چگونه می‌توان نیاز جنسی و ارتباطات انسانی متأثر از آن را در جامعه مدیریت کرد؟ و ...

مارکسیسم با تأکید بر پیوند مالکیت شخصی و تشکیل خانواده، محدودیت روابط جنسی را از میان برمی‌دارد و روابط کاملاً آزاد را حق هر انسانی می‌داند (ر.ک: انگلس، ۱۳۸۵). همچنین دیدگاه‌های افرادی همچون راسل از نگاه نفی قواعد اخلاقی و گروه دیگری همچون فروید از نگاه روان‌کاوی که ریشه در مکتب‌های مادی‌گرای (ماتریالیسم با ریشه‌های تفکری اصالت انسان در زندگی دنیا) غربی دارند، هرگونه قیدی را در روابط جنسی، موجب اضطراب و التهاب در جامعه و مانع پیشرفت و رسیدن به سود و لذت فرد معرفی می‌کنند (ر.ک: راسل، ۱۳۶۲؛ فروید، ۱۳۶۳). عفت و حیا که اساس روابط زن و مرد است، یکی از مشخصه‌های جامعه دینی و اسلامی است. عفت به معنای خودداری از گناه و جلوگیری از سرکشی‌های شهوت جنسی است. البته می‌توان معنای عام عفت را خودداری از هرگونه گناهی دانست؛ اما در زبان روایات، بیشتر به پاکدامنی در رابطه میان مرد و زن اشاره شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۷۹-۸۰).

پژوهش‌های انجام شده در پاسخ به پرسش‌های مزبور، فراوان است که تنها به بخشی از آن اشاره می‌کنیم: اول، تحقیقاتی که به موضوع عفاف، حیا و حجاب در آموزه‌های اسلامی پرداخته‌اند (ر.ک: پسندیده، ۱۳۸۳؛ بهشتی، ۱۳۸۶)؛ دوم، تحقیقاتی که به مسئله جنسیت و جنس در ارتباطات توجه دارند. در *دانشنامه ارتباطات قرن ۲۱*، جان اسلویط طی مقاله‌ای با عنوان «رفتارهای جنسی در ارتباطات» به تحلیل نقش جنسیت در رفتارهای ارتباط‌گرا و کسب هویت آنها می‌پردازد (اسلویط، ۲۰۰۹، ص ۹۰). این مقاله بحث جنسیت را در ارتباطات با تأکید بر هویت شخص پیگیری می‌کند. در این دانشنامه، ذیل فصل عامل‌های مؤثر بر ارتباطات، دو مقاله دیگر نیز جنسیت و گرایش‌های جنسی را تحلیل می‌کنند (هنیز، ۲۰۰۹، ص ۳۸۷؛ وود، ۲۰۰۹، ص ۳۷۱). دسته سوم نیز تحقیقاتی اند که به مسئله

ارتباط عقیفانه به مثابه نظریه‌ای فرهنگی - ارتباطی

mt.karami@yahoo.com

محمدتقی کرمی / استادیار مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبایی

ک سیدعبدالرسول علم‌الهدی / دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
ralamolhoda@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲۳

چکیده

زندگی و رفتار اجتماعی افراد و گروه‌ها بر اساس هنجارهایی شکل می‌گیرد که تعیین‌کننده بایدها و نبایدهای رفتار اجتماعی و ترسیم‌کننده الگوهای پذیرفته‌شده فرهنگی‌اند. یکی از مهم‌ترین هنجارهای ارتباطی در میان انسان‌ها از نگاه اسلام، عفاف و حجاب است. پرسش اصلی این مقاله بر ابعاد معنایی، نمادی و رفتاری عفاف با توجه به ارتباطات کلامی و غیر کلامی تمرکز دارد. با رویکردی توصیفی-تحلیلی کوشیده‌ایم در پیوند میان آموزه‌های دین مبین اسلام درباره عفاف با دانش ارتباطات، و تمرکز بر دو مبنای نظری کنش متقابل نمادین و نشانه‌شناسی، به فهمی عمیق‌تر از وجود عفاف در همه مراتب ارتباطی انسان به‌ویژه کلام، نگاه و رفتار دست یابیم. در نتیجه، ابعاد فقهی - ارتباطی عفاف در آموزه‌های اسلامی کشف شد و تعریفی جدید از ارتباط عقیفانه به دست آمد. بدین ترتیب مبنایی نظری برای ارتباطات در فرهنگ اسلامی پیشنهاد داده‌ایم که سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در موضوع عفاف را نیز تسهیل می‌کند.

کلیدواژه‌ها: عفاف، فقه، ارتباط، ارتباطات انسانی، ارتباط عقیفانه.

تصویرسازی زن در رسانه‌های چاپی و الکترونیکی توجه می‌کنند. ارتباط عقیفانه در تلویزیون و سینما از جمله عناوین تحقیقی است که محقق در آن به دنبال بازنمایی ارتباط زن و مرد در فیلم‌هاست و در این زمینه همه سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های موجود را بررسی می‌کند. همچنین مراجعه شود به: شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای فرهنگی- اجتماعی زنان، دی‌ماه ۱۳۷۸؛ مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۸۳؛ جمع‌دار، ۱۳۷۳؛ صیاد، ۱۳۷۵؛ و شلیت، ۱۳۸۸.

وجه تمایز و نوآوری این مقاله، مفهوم‌شناسی ارتباطی عفاف با روش فقه مقدّماتی و نشانه‌شناختی با توجه به ویژگی‌های سطوح ارتباطات انسانی در دو حوزه کلامی و غیرکلامی است. با توجه به کار پیشین (علم‌الهدی، ۱۳۹۱)، در این تحقیق به دستاوردهای جدیدی در تعریف و شناخت ارتباطی عفاف دست یافته‌ایم. بدین‌منظور، ابتدا به مفهوم‌شناسی عفاف در معارف فقهی و اخلاقی اسلام می‌پردازیم؛ سپس چگونگی شکل‌گیری عفاف در سطوح ارتباطات انسانی، همچون ارتباط درون‌فردی، میان‌فردی، گروهی و ارتباط جمعی و بروز آن در ارتباطات کلامی و غیرکلامی را بررسی خواهیم کرد.

آنچه در این مقاله دنبال می‌شود، رویکردی نشانه‌شناختی در واکاوی ارتباط عقیفانه به منزله هنجاری ارتباطی در جامعه اسلامی است. در این راستا از دو ساحت معارف اسلامی و دانش ارتباطات کمک گرفته‌ایم تا بتوانیم با پیشنهاد تعریفی ارتباطی از عفاف، گام جدیدی در جهت ساخت نظریه‌ای بومی در مطالعات جنسیت به‌منزله عامل مؤثر در ارتباطات انسانی با توجه به آموزه‌های دینی برداریم. این مقاله می‌تواند مقدمه‌ای برای فهم ابعاد عفاف در جهت سیاست‌گذاری فرهنگی برای نهادینه کردن آن در جامعه نیز باشد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. عفاف

عفاف، ملکه دوری از گناه در زندگی مؤمن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۵۲)، که در ارتباطات با خود، با فرد دیگر، با گروه و جامعه بروز می‌یابد و در معنای خاص به پاکدامنی و غلبه عقل بر شهوت جنسی دلالت دارد (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۲۴۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۷۳). عفت و حیا که جزء جدایی‌ناپذیر دین و ایمان به شمار می‌رود (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۱۶۵) رابطه‌ای مستقیم با عقل دارد و شالوده‌هرگونه رابطه انسانی، به‌ویژه روابط زن و مرد است.

در علم اخلاق، مرحوم ملا/احمد نراقی در *معراج‌السعاده* می‌نویسد: «عفت عبارت است از: مطیع و منقاد شدن قوه شهوانیه از برای قوه عاقله که در اقدام به خوردن و نکاح، حدود اوامر الهی را به لحاظ

کمی و کیفی نگه دارد» (نراقی، ۱۳۷۷، ص ۳۰۵). عفت همان اعتدال عقلی و شرعی است و افراط و تفریط در آن مذموم است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اساس عقل، عفاف است و ثمره آن، دوری از زشتی است» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۷) و همچنین می‌فرماید: «انسان عقل‌مدار عقیف است» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۵۳)؛ زیرا منشأ هر دو حرکت به سوی تعادل و پرهیز از افراط و تفریط است. این همان مفهومی است که هم در معنای عفت و هم در معنای عقل نهفته است. عقل به معنای کرامت نفس انسان هم به کار برده شده (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۱۵۶-۱۵۸؛ اسراء: ۷۰) که شاخصی در تفاوت انسان با دیگر موجودات است و امیرالمؤمنین علی علیه السلام توجه فرد به کرامت انسانی در خود را سبب خوار کردن تمایلات شهوانی می‌داند (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، ۴۴۹).

در قرآن کریم، مصادیق عفاف در چهار مفهوم به کار رفته‌اند: عفاف به معنای حفظ عزت نفس (بقره: ۲۷۳)، به معنای تجاوز نکردن از حق خود و توجه به حریم اقتصادی دیگران (نساء: ۶)، معادل کنترل و مدیریت نیاز جنسی (نور: ۳۲ و ۳۳)، و به معنای خویش‌داری در مقابل فعل مکروه و نه حرام برای سالخوردگان (نور: ۶۰). از هر چهار معنای به‌کاررفته در قرآن کریم، فهمیده می‌شود که رابطه‌ای مستقیم میان این مفهوم با کرامت و عزت نفس وجود دارد. بنابراین انسان برای حفظ کرامت خود عفاف می‌ورزد؛ یعنی از آنچه حریم و حرمت انسانی را زایل می‌کند دوری می‌کند و به دنبال آن، نسبت به دیگران هم حرمت و حریم قائل می‌شود. شلیت می‌نویسد:

اگر شما این حس را منتقل کنی که «من ارزشی ندارم، هر طور می‌خواهی با من رفتار کن»، آن‌گاه مردم هم بر اساس همین حسی که از شما ساطع می‌شود با شما رفتار می‌کنند (شلیت، ۱۳۸۸، ص ۶۶).

۲-۱. ارتباط

تعاریف اولیه ارتباط که در علم ارتباطات بررسی می‌شدند، بر سه عنصر فرستنده، پیام و گیرنده تکیه داشتند؛ اما با گذشت زمان و تفکر در پیچیدگی‌های مفهوم ارتباطات، عناصری همچون معنا، کانال پیام، وسیله انتقال پیام و پارازیت مد نظر قرار گرفتند که ارتباطات را به‌منزله رشته‌ای علمی مطرح ساختند (رک: محسنیان‌زاد، ۱۳۸۲، ص ۴۲-۵۷)؛ هرچند این رشته علمی در بسیاری از ابعاد دانشی، همچون روش تحقیق و مسائل پژوهشی و ام‌دار دو رشته روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است.

دیدگاه‌های مختلفی درباره ارتباطات وجود دارند که هر کدام نظریاتی را به دنبال داشته‌اند. کریگ (۱۹۹۹) با اشاره به عدم انسجام نظریه‌های ارتباطات، این نظریه‌ها را به هفت سنت تقسیم می‌کند: معانی بیان، نشانه‌شناسی، پدیدارشناسی، سایبرنتیک، روان‌شناسی اجتماعی،

فرهنگ‌شناسی اجتماعی و انتقادی که در نشانه‌شناسی، نشانه‌ها و نظام‌های نشانه‌ای به مثابه واسطه‌های ارتباطی بررسی می‌شود (کریگ، ۱۹۹۹، ص ۱۳۶).

از سوی دیگر دانشمندان ارتباطات، ارتباط را بر اساس پیام به دو دسته تقسیم می‌کنند. جان فیسک (۱۹۹۰) نخستین مکتب ارتباط را انتقال پیام معرفی کرد و نام آن را مکتب فرایند گذاشت. مکتب دوم، ارتباط را تولید و تبادل معانی می‌داند. این مکتب به دنبال آن است که چگونه پیام‌ها یا متن‌ها در کنش متقابل با مردم قرار می‌گیرند تا معنا تولید کنند (فیسک، ۱۳۸۶، ص ۱۰-۱۲). فلسفه‌های پدیدارشناسی هگلی و هوسرلی، مبنای مکتب مبادله معنا در نگاه جان فیسک هستند، و فلسفه پراگماتیستی امریکایی مبنای مکتب انتقال پیام در نگاه لاسول و تأثیر ارتباط است.

بدین ترتیب تعریف ارتباط نیز با توجه به این دو مکتب و سنت‌های ارتباطی تفاوت دارد. گروهی از اندیشمندان ارتباطات، مسئله تأثیر و جریان محرک و پاسخ را در تعریف ارتباط به صورت انتقال پیام مطرح کرده‌اند که در مکتب فرایند می‌گنجد (همان، ص ۱۰). البته دسته دیگری هم همچون رایت، لیندگرن و همکاران هستند که انتقال پیام را مساوی انتقال معنا می‌دانند و فیسک به آنان اشاره‌ای نداشته است. برای نمونه، هنری لیندگرن در کتاب *هنر ارتباط انسانی* می‌گوید: «ارتباط از دیدگاه روان‌شناسی، فراگردی است حاوی تمام شرایطی که متضمن انتقال معنا باشد» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۲، ص ۴۵ به نقل از لیندگرن، ۱۹۵۳، ص ۱۳۵).

حال با توجه به این نظریات به تبیین مفهوم ارتباط با استفاده از معنا، نماد و پیام می‌پردازیم. انسان از یک طرف واجد معناست و پیام به منزله برانگیزنده آن معنا در وجود انسان عمل می‌کند؛ اما از سوی دیگر انسان از همان بدو تولد فاقد بسیاری از معانی‌اند و در گذر زمان و با کسب تجربه و آموزش بسیاری از معانی را یافته‌اند. پیامی که به انسان می‌رسد یا فرایند ارتباطی یک انسان در چارچوب‌های ذهنی او که ناشی از تجربه‌ها و گذشته او و حتی تاریخ اجتماعی اوست، دریافت و پردازش می‌شود که ممکن است معنایی متفاوت با آنچه ارسال‌کننده مد نظر داشته، پدید آمده باشد. به نظر می‌رسد که معنا هم در انسان وجود دارد و هم در او به وجود می‌آید.

بنابراین پیام در فراگرد ارتباط، هم می‌تواند معنایی را در انسان به وجود آورد و هم می‌تواند معنای موجود در ذهن او را به خاطر آورد. البته این معنا در پردازش عقلی صورت می‌گیرد که تجربه‌های شخصی و اجتماعی را از قبل به همراه داشته است. با توجه به آنچه گذشت، تعریفی که از ارتباط ارائه می‌دهیم چنین خواهد بود: «ارتباط عبارت است از فراگرد ارسال پیام بین فرستنده و

گیرنده که این پیام، یا معنای جدیدی در گیرنده به وجود می‌آورد و یا نمادی برای برانگیختن معنای مورد نظر فرستنده در گیرنده است».

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱. کنش متقابل نمادین

به نظر می‌رسد نظریه کنش متقابل نمادین از جرج هربرت مید (۱۸۶۳-۱۹۳۱) که در جامعه‌شناسی ارتباط مطرح شده در مکتب انتقال پیام بگنجد؛ زیرا ناظر به رفتارهایی است که افراد در برابر هم دارند و به تبیین کنش و واکنش‌ها می‌پردازد. هرچند این رفتارها ناظر به معناهای از قبل موجود در افرادند، در نهایت رفتارها و واژگان به مثابه نمادها انتقال می‌یابند. در این نظریه به سه مضمون محوری توجه می‌شود (وست و ترنر، ۲۰۰۰، ص ۱۹): ۱. اهمیت معنا در رفتار انسان‌ها، ۲. اهمیت تصویری که شخص از هویت و ارزش و استعداد خود دارد، ۳. رابطه بین فرد و جامعه.

بر اساس این نظریه، مردم راغب‌اند بر پایه معنایی که به آدم‌ها، اشیا و اتفاقات تخصیص می‌دهند، رفتار کنند. علاوه بر این، معنا در زبانی خلق می‌شود که مردم هم در رابطه با دیگران و هم در تفکرات شخصی خود به کار می‌برند؛ زیرا معانی، همراه ذاتی هیچ چیز نیستند. زبان به مردم اجازه می‌دهد تا درکی از خویشتن به دست آورند و در اجتماع، با دیگران تعامل کنند. پس بر اساس این نظریه انسان‌ها در مقابل افراد، اشیا و رویدادها بر اساس معانی که به آنها نسبت می‌دهند، رفتار می‌کنند. مید در کتاب *ذهن، خود و جامعه* نظریه تعامل‌گرایی نمادین را از بنیادی‌ترین نظریه‌های ارتباطات انسانی می‌داند که از بطن آن دو مفهوم «ارتباط آگاهانه انسانی» و «انعکاس درک حضور دیگران و رفتارشان» منتج می‌شود.

سه پیش‌فرض اصلی این نظریه که از تألیفات هربرت بلومر گرفته شده‌اند، بدین شرح‌اند:

۱. انسان‌ها در ارتباط با دیگران بر اساس معانی‌ای که آن دیگران برایشان دارند، رفتار می‌کنند؛
۲. معنا در تعامل بین مردم خلق می‌شود؛
۳. معنا از طریق فرایندی تفسیری اصلاح می‌شود (ر.ک: بلومر، ۱۹۶۹).

مید اعتقاد دارد معنایی که در انسان‌ها به وجود می‌آید ناشی از فرایند ارتباطی ایشان از یک طرف با خود و از طرف دیگر با جامعه انسانی است. به عبارت دیگر پیام حامل معنا نیست، بلکه در تجزیه و ترکیب تفکرات انسانی معنازا می‌شود.

۲-۲. نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی ارتباط را تولید معنا در پیام می‌داند. چه رمزگذار تولیدش کرده باشد و چه رمزگشا. معنا، مفهومی مطلق و ایستا نیست که در پیام بسته‌بندی شده باشد؛ بلکه روندی فعال است که نشانه‌شناسان افعالی چون آفریدن، تولید و مذاکره را درباره‌اش به کار می‌برند. «مذاکره» شاید سودمندترین واژه باشد؛ زیرا در آن رابطه متقابل بین شخص و پیام نهفته است. معنا نتیجه کنش متقابل و پویا میان نشانه، تعبیرکننده و موضوع است که جایگاهش از لحاظ تاریخی تعیین شده و می‌تواند در طول زمان تغییر کند (فیسک، ۱۳۸۶، ص ۷۲).

در مکتب نشانه‌شناسی به دلالت‌ها و نمادهایی توجه می‌شود که معانی را در ذهن می‌پروراند.

نشانه‌شناسان، ارتباطات را با نمادهای میان‌ذهنی نظریه‌پردازی می‌کنند، که این نمادها شامل زبان و دیگر نظام‌های نشانه‌ای است که معانی را به اشتراک گذاشته و فهم عمومی را بین افراد شکل می‌دهد... در حقیقت نماد واسطه‌ای میان زبان و تفکر است (کریگ و مولر، ۲۰۰۷، ص ۱۶۳).

بنابراین نمادها و معانی در فهم عمومی جامعه وجود دارند و مردم در استفاده از نظام‌های نشانه‌ای به ارتباط با هم می‌پردازند. در نشانه‌شناسی برخلاف تصور قبلی که معنا را پیش‌داده‌ای می‌دانست که در جریان ارتباط منتقل می‌شود، معنا زاییده ارتباط است و بیرون از رخداد ارتباط، هیچ چیزی نیست که بخواهد معنا آفرینی کند. پیام‌گیر عضوی فعال در جریان ارتباط به شمار می‌آید که در امر معنا آفرینی، نقش فعال و بنیادین دارد.

۳. عفاف در سطوح ارتباطات انسانی

زندگی هر انسانی متشکل از ارتباطات انسانی در سطوح درون‌فردی، میان‌فردی، گروهی و جمعی است که فرد با تنظیم این ارتباطات، به منظومه‌ای از ارتباطات انسانی در فرهنگ زندگی خود می‌رسد. ارتباطات انسانی بر اساس نوع (صوتی، نوشتاری، تصویری)، محتوا (اطلاعات، اخبار، ابراز احساسات، آموزش، تبلیغ)، چگونگی (دوسویگی، یکسویگی)، کیفیت و کمیت، سرعت انتقال، میزان هزینه، دسترس‌پذیری، فاصله و بسیاری از مقولات دیگر قابل طبقه‌بندی هستند. این ارتباط همچنین به کلامی و غیرکلامی تقسیم می‌شود.

ارتباط عقیفانه از نگاه ارتباطات انسانی دارای تقسیم‌بندی‌های متفاوتی است؛ از جمله تقسیم بر اساس گستره ارتباط میان فرستنده و گیرنده که به سطوح ارتباطات عقیفانه انسانی درون‌فردی، میان‌فردی، گروهی و جمعی، و از سوی دیگر بر اساس کلام به ارتباطات عقیفانه کلامی و غیرکلامی

(نگاه و رفتار) تقسیم می‌شود. همچنین از حیث ارتباط بین دو جنس، ارتباط عقیفانه در سه شکل وجود خواهد داشت: ارتباط همجنسان، ارتباط بین دو جنس محرم و ارتباط بین دو جنس نامحرم. بنابراین با جدول زیر در ارتباط عقیفانه روبه‌رو خواهیم بود.

بستر ظهور			انواع روابط بین انسان‌ها	
رفتار	نگاه	کلام	نسبت‌ها در ارتباط	
			همجنسان	
			محرم	نامجنسان
			نامحرم	
<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>		

۱-۳. ارتباط درون‌فردی

ارتباط درون‌فردی دادوستدی ارتباطی است که در درون فرد روی می‌دهد. این نوع از ارتباط در حقیقت حرف زدن با خود است. ارتباط درون‌فردی از آن روی امکان‌پذیر می‌شود که انسان می‌تواند با استفاده از نمادهایی که در ارتباط خویش به کار می‌گیرد، موضوع یا منظور خودش واقع شود (بلیک و هارولدسن، ۱۳۷۸، ص ۳۹).

عفاف در ارتباط درون‌فردی، به معنای غلبه عقل و خویشتن‌داری انسان بر تمایل به معصیت و شهوت جنسی است که این جز با در نظر گرفتن کرامت نفس از سوی خود شخص صورت نمی‌گیرد. انسان می‌تواند به قدری با خود مشغول شود که به خودارضایی در تمایلات جنسی برسد؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «هر کس زیاد به فکر گناه باشد، گناهان او را به خود فرامی‌خواند» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۶).

خودارضایی و استمنا عملی انحرافی و واکنشی از نوع جانشین ساختن رفتاری با رفتار دیگر است (قائمی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴-۱۲۵). فرد عملاً با خود کاری می‌کند که به تخلیه هیجان منجر گردد. از آنجاکه خودارضایی و یا استمنا در تمام ادیان و بسیاری از سنت‌های فرهنگی مذموم خوانده شده، با کرامت نفس انسان در تضاد است؛ زیرا سبب افسردگی، انزواگزینی و پشیمانی زودرس می‌شود (همان، ص ۱۳۸-۱۴۱).

۲-۳. ارتباط میان‌فردی

مفهوم ارتباط میان‌فردی برای نخستین‌بار در اوایل دهه ۱۹۵۰ مطرح شد. ارتباط میان‌فردی را چنین تعریف کرده‌اند:

ارتباط میان فردی را می‌توان به‌عنوان فرایندی تعاملی که در جریان آن دو نفر پیام‌هایی را ارسال و دریافت می‌کنند، توصیف کرد. بنابراین لازمه این ارتباط، دادن و گرفتن است و همچنین در فرایند ارتباط، عنصر اطلاعات و رابطه همیشه با هم هستند (برکو و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸).

در این سطح از ارتباط، دو فرد در دو سوی ارتباط قرار دارند و به صورت کلامی و غیرکلامی با هم ارتباط برقرار می‌کنند. عفاف در این سطح از ارتباط به معنای ارسال و دریافت هرگونه پیامی است که معنایی را در دو طرف ارتباط در زمینه شهوات جنسی برنینگیزد و در کنش متقابل ایشان موجب تحریک شهوت جنسی نشود، مگر برای زوجین. از حیث جنس در مورد این سطح به سه دسته ارتباط می‌توان اشاره کرد: ۱. همجنس، ۲. غیرهمجنس محرم، ۳. غیرهمجنس نامحرم که عفاف در ارتباط این گروه‌ها در حوزه کلامی و غیرکلامی جاری است. احکام فقهی هر سه دسته از ارتباط ناظر بر عدم بر هم خوردن قوای نفسانی انسان از نظام عقلانی و از بین رفتن کرامت نفس است (معصومی، ۱۳۸۶، ص ۳۷، ۶۳ و ۲۱۷-۲۲۱).

ازدواج بین دو جنس مرد و زن که در سطح ارتباط میان فردی در ارتباطات انسانی می‌گنجد، تنها و بهترین راه برای ارضای نیاز جنسی و برخورداری از ملکه عفاف است. ازدواج عاملی ایجابی در به وجود آمدن عفاف است. از این رو خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: «زنان لباس شما و شما لباس ایشان هستید» (بقره: ۱۸۷)؛ زیرا رابطه جنسی و تعهد خانوادگی برآمده از ازدواج، سبب چشم‌پوشی از گناه می‌شود و مرد و زن به خاطر پایداری رابطه خود حاضر به ارتباط جنسی خارج از خانواده نیستند. همچنین پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «ای گروه جوانان! کسی که از شما توانایی بر ازدواج داشته باشد، ازدواج کند؛ زیرا ازدواج سبب می‌شود که از نوامیس مردم چشم فرو بندد و دامان خویش را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ کند» (خرمشاهی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۲).

۳-۳. ارتباطات گروهی

وقتی ارتباط افراد از سه نفر بیشتر شود، روابط ایشان ارتباطات گروهی را تشکیل می‌دهد. همین روابط در ساختار سازمان، ارتباطات سازمانی نام می‌گیرد و اگر میان افراد از چند فرهنگ رخ دهد، ارتباطات میان فرهنگی خوانده می‌شود (ایدی، ۲۰۰۹، ص ۱۹). از آنجاکه گروه تنها مجموعه‌ای از افراد نیست، بلکه نشان‌دهنده نوع و شکل روابط میان اعضای آن گروه نیز هست، آنست بوریمن گروه را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از افرادی که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا کارهای مشترکی را انجام دهند و به هدفی مهم دست یابند» (برکو و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۲۶۷).

در این سطح ارتباط، دست‌کم در یکی از دو طرف ارتباط، یک گروه محدود و قابل شمارش وجود دارد. وجود عفاف در ارتباط گروهی موجب رعایت تمام موازینی است که شهوت جنسی در ارتباط‌گران تحریک نشود و هیچ ریه‌ای در این ارتباط وجود نداشته باشد. برای مثال در میهمانی‌ها، جشن‌ها و عروسی‌ها امکان پوشیدن لباس‌های نامناسب و یا رقص و موسیقی تحریک‌کننده شهوت جنسی وجود دارد و البته مؤمنین در رعایت عفاف اسلامی باید از این امور بپرهیزند (معصومی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۶-۱۷۷).

۴-۳. ارتباطات جمعی

ارتباطات جمعی را می‌توان شکل توسعه‌یافته ارتباط رودررو یا الگوی خطی ارتباط دانست که در یک طرف فرایند ارتباط، فرستنده پیام و در طرف دیگر، گیرنده آن وجود دارد. ارتباط جمعی یک فرایند است و با اینکه تکنولوژی مدرن در شکل رسانه‌های گروهی برای این فرایند ضروری است، ولی حضور این آلات فنی را نباید با خود فرایند ارتباط جمعی اشتباه گرفت (بلیک و هارودلسن، ۱۳۷۸، ص ۴۹).

در این نوع ارتباط از وسایل ارتباط جمعی چاپی و الکترونیک، سمعی و بصری مانند روزنامه، رادیو، تلویزیون و سینما استفاده می‌شود که تولیدکنندگان یا فرستنده آن معلوم و مشخص است؛ اما مخاطبان و گیرندگان پیام را به طور دقیق نمی‌توان شمارش کرد. احکام مربوط به دیدن و شنیدن پیام رسانه‌ای با توجه به ریه و تلذذ برای مخاطب بازگو شده است (معصومی، ۱۳۸۶، ص ۷۶-۸۴).

۴. انواع ارتباط عقیفانه

۴-۱. ارتباط عقیفانه در کلام و صدا

محققان، عموماً معتقدند که انسان‌ها در ابتدا برای برقراری ارتباط به طرز حرکات اندام بدن اتکا می‌کردند و بعداً رمزی را قرارداد کردند که به وسیله آن می‌توانستند ارتباط گفتاری نیز برقرار کنند (برکو و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱). توضیحاتی که برای توجیه تمایل انسان به استفاده از زبان گفتاری ارائه شده است حول موضوع احتمال ارتباط اصوات با حالات و حرکات بدن متمرکز است؛ زیرا لب‌ها، زبان و دهان حرکات دست را تقلید می‌کنند. بنابراین از آنجاکه زبان حرکات تنها می‌تواند تعداد محدودی پیام را منتقل کند و دامنه کاربرد اصوات بیشتر است، میزان به‌کارگیری زبان گفتاری افزایش یافته است. بعدها به دلیل احساس نیاز به روشی دیگر برای انتقال پیام‌ها، علایم نوشتاری پدید آمد (همان).

ارتباطات کلامی، روابطی است که میان انسان‌ها بر اساس گفتار و کلام شکل می‌گیرد. بنابراین مهارت‌های چهارگانه گفتن، شنیدن، خواندن و نوشتن، برآمده از ارتباطات کلامی‌اند.

آنچه در ارتباطات کلامی مورد توجه است خود کلام است و لحن کلام، تنیدی و نازکی صدا در ارتباطات غیرکلامی کانون توجه قرار می‌گیرد. سخن و کلام برای فرستنده پیام در گفتار و نوشتار و برای گیرنده پیام در شنیدن و خواندن منعکس می‌شود. بنابراین عفاف در تقسیم‌بندی فرستنده و گیرنده شامل هر چهار عمل گفتن، شنیدن، نوشتن و خواندن می‌شود.

۱. کلام و سخن: وقتی کلام حاوی معنای شهوت جنسی نباشد و موجب تحریک شهوت جنسی نشود (مگر میان زوجین) و همچنین کرامت انسانی را از بین نبرد (مانند کلام ناسزا و زشت)، در دایره عفت قرار دارد. بنابراین گوینده و نویسنده از یک‌سو، و شنونده و خواننده از سوی دیگر با توجه به عفت در کلام به ارتباط می‌پردازند. امیرالمؤمنین علیؑ محتوای مستهجن کلام را سبب گرایش افراد پست به انسان می‌داند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۴) که در نتیجه دایره ارتباطی انسان را در ارتباط غیرعقیفانه وارد می‌کند.

در احکام مراودات نامحرم آمده است که اگر هرگونه صحبت مرد و زن نامحرم موجب ریبه و فساد باشد، حرام است و باید از آن اجتناب کرد. بدین ترتیب صحبت‌هایی که به قصد شهوت انداختن دیگری گفته می‌شود، مانند تعریف کردن صحنه‌های تحریک‌کننده حرام است. حتی صحبت غیرضرور مرد با زن جوان نامحرم مکروه است (معصومی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳-۱۵۶). زنان نیز در صحبت کردن با نامحرم باید سه شرط را رعایت کنند: ۱. به قصد لذت و ریبه نباشد، ۲. صدای خود را ترقیق و تلطیف نکنند، ۳. خوف از به گناه افتادن نداشته باشند (همان، ص ۱۵۸).

۲. عفاف در صدا: سخن گفتن از روی ناز و کرشمه که دل مردان را وسوسه کند و موجبات فساد را فراهم آورد، از طرف دین اسلام منع شده است. وقار در سخن و حیا در کلام، حکمی است که از طرف خداوند به زنان پیامبر فرمان داده شده است (احزاب: ۳۲). طباطبایی درباره «قلن قولاً معروفاً» می‌نویسد:

یعنی سخن معمول و مستقیم بگویند؛ سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده، و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند، نه اینکه کرشمه و ناز را بر آن اضافه کنید، تا شنونده علاوه بر درک مدلول آن دچار ریبه هم بشود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۰۹).

به عبارت دیگر در ارتباطات میان نامحرم باید خود پیام کانون توجه باشد و همراه کردن ارتباطات غیرکلامی ارادی همچون نازکی صدا از دایره عفاف خارج است. اثر تحریک‌آمیز صدای زن توسط

روانشناسان بررسی شده است؛ از جمله مارتین موریسون روان‌شناس کانادایی به این نتیجه رسیده که «صدا اولین محرک و عامل جنسی به شمار می‌آید... و صدای زن در مردها اثر بسزایی دارد» (پاک‌نژاد، ۱۳۶۱، ج ۲۰، ص ۱۸۲).

۲-۴. ارتباط عقیفانه در نگاه

نگاه در ارتباطات غیرکلامی، هم می‌تواند دریافت‌کننده پیام و هم ارسال‌کننده پیام باشد. قرآن کریم کنترل نگاه را مستقیماً عاملی برای کنترل گناه شهوت جنسی و حفظ حیا می‌داند (نور: ۳۰ و ۳۱). «ظاهر آن این است که مراد از امر به چشم‌پوشی در آیه شریفه، نهی از مطلق نگاه به زن اجنبی است و مطابق روایات وارده، آنچه که از نگاه به زن نامحرم حلال است، صورت و کفین می‌باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۱۷). اگر آن هم با لذت همراه باشد بدون اشکال نیست.

از این آیه استنباط می‌شود که پوشش و عدم نگاه، رابطه‌ای دوطرفه با هم دارند و در این رابطه مستقیم است که شالوده عفاف بنا می‌شود و حجاب کامل شکل می‌گیرد. همچنین در این دو آیه حفظ فرج و کنترل نگاه، هم به مرد و هم به زن دستور داده شده و هر دو باید عامل به دستور عفاف باشند (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۵۱۲).

۳-۴. ارتباط عقیفانه در رفتار

پژوهش‌هایی در جهت مرتبه‌بندی سهم ارتباط کلامی به غیرکلامی در ارتباطات انسانی انجام شده است. برای نمونه بیردویسل مشخص کرده تنها ۳۵ درصد از معنا در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقی‌مانده آن در زمره غیرکلامی است (فرهنگی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۲-۲۷۳).

ارتباط غیرکلامی، ارتباط از طریق کلیه محرک‌های بیرونی غیر از کلمات نوشتاری و گفتاری است. این نوع ارتباط شامل حرکات بدنی، مشخصات ظاهری، مشخصات صدا و نوع استفاده از فضا و فاصله است. نشانه‌های غیرکلامی می‌تواند به وسیله واکنش‌های عصبی ذاتی یا رفتارهای اکتسابی در یک فرهنگ، ایجاد شود. هر فرهنگی زبان بدنی خاص خود را دارد. کانال‌های ارتباط غیرکلامی عبارت‌اند از: زبان بدن (حرکت گفتاری)، داهای آوایی (شبه اصوات)، فضا (مجاورت)، زمان، شامه، زیبایی‌شناسی، مشخصات فیزیکی و مصنوعات (برکو و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲). برای همین وقتی

عفاف را در ارتباطات غیرکلامی در نظر بگیریم با موضوعات و مسائل پرشماری روبه‌رو می‌شویم که این نشان‌دهنده پیچیدگی و گستردگی موضوع عفاف است و در کنش متقابل می‌تواند معنای متفاوتی را برای طرف دیگر ارتباط به‌وجود آورد. در اینجا فقط به شش حوزه نشان‌شناختی مؤثر در ارتباطات انسانی و عفاف اشاره می‌کنیم:

۱. ارتباط خصوصی و صمیمیت با نامحرم: از آنجاکه طبق حکم فقها، هر آنچه موجب تلذذ از جنس مخالف و خوف فتنه (ریبه) شود، جایز نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۷) اگر مؤمن تشخیص دهد که در مراد با نامحرم یا نامحرمان به انس و صمیمیت راه می‌یابد، باید به قطع یا تقلیل ارتباط اقدام کند. در قرآن کریم، خداوند سبحان دوست نامحرم گرفتن را مورد توجه قرار داده و مؤمنین را از آن نهی می‌کند: «مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ» (نساء: ۲۵)؛ زنانی عقیفه باشند، نه زناکار و رفیق‌باز و دوست‌پیداکن؛ «وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ» (مائده: ۵)؛ نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرد. آنچه از کلمات لغویین و ظاهر این آیات مشخص است، این است که اظهار علاقه و دوستی بین زن و مرد غریبه جهت تبانی بر هر نوع لذت و استمتاع جنسی نهی شده است (به نقل از مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۴ و ۹۵).

۲. حجاب و پوشش: دو واژه «خمار» و «جلباب» نقشی کلیدی در فهم حدود حجاب اسلامی دارند، و از این دو با عناوین «مقنعه» و «چادر» در جامعه ایران یاد می‌شود. ضرورت پوشیدن خمار از آیه شریفه سوره نور استفاده می‌شود که می‌فرماید: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱)؛ راعب ذیل واژه خمار می‌نویسد: «خمار در اصل به معنای پوشاندن چیزی است و در اصطلاح پارچه‌ای که زن سرش را با آن می‌پوشاند اطلاق می‌شود» (راعب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۰)؛ اما نکته درخور توجه این است که کارکرد مقنعه فقط پوشاندن سر نیست؛ بلکه باید گریبان را نیز بپوشاند و این معنا از کلمه «جیوب» فهمیده می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۵۷). آیه‌ای دیگر چگونگی پوشیدن چادر را به زنان آموزش می‌دهد (احزاب: ۵۹). کلمه «یدنین» از ریشه «دنو» به معنای نزدیک است (راعب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۷۲). «جلباب» جامه‌ای است سرتاسری که تمامی بدن را می‌پوشاند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۶۴)؛

۳. دوری از تبرج: مطلب دیگری که هم فرهنگ ایران و هم دین اسلام بر آن تأکید دارند، دوری از تبرج یا خودنمایی است؛ زیرا تبرج رفتار جاهلیت است (احزاب: ۳۳)؛ یعنی در جوامعی که به تمدن نرسیده‌اند بیشتر مردم به خودنمایی می‌پردازند. در یک نگاه نشان‌شناختی، امکان دارد مردی از نظر

پوشش اشکال نداشته باشد یا زنی حجاب چادر را انتخاب کرده باشد ولی به نشانه‌های دیگری در رفتار و گفتار که موجب پرهیز از خودنمایی است توجه نکند. این حجاب در همه ابعاد عفاف قرار ندارد. با در نظر گرفتن ارتباط عقیفانه، نظام رفتاری و نشانه‌ای کاملی را می‌توان در نظر گرفت که در آن هم حجاب رعایت شده باشد و هم قید تبرج و خودنمایی زده شود؛

۴. اختلاط زن و مرد، مصافحه و برخورد: علاوه بر پوشش، نوع رفتار و برخورد زنان و مردان در جامعه نیز اهمیت دارد. خداوند در قرآن کریم به مسلمین دستور می‌دهد که اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید، خواسته خود را از پس پرده به ایشان اعلام کنید (احزاب: ۵۳). این دستور با تنقیح مناط شامل زنان مسلمان دیگر هم می‌شود و باید توجه داشت که این حکم غیر از پوشیده بودن زن از نامحرم است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۰۳). این آیه به نوع ارتباط نامحرمان اشاره می‌کند و در این آیه عنوان نمی‌شود که به هیچ وجه با زنان پیامبر ارتباط برقرار نکنید؛ بلکه حجاب را در وسط این ارتباط قرار می‌دهد؛

۵. استفاده از عطر: هر یک از حواس جسمانی انسان می‌تواند یکی از محرک‌های شهوت جنسی باشد. حس بویایی که در دسته‌بندی ارتباطات غیرکلامی می‌گنجد نیز از این قاعده مستثنا نیست و برخی از روائح و عطرها موجب برانگیختگی شهوت می‌شوند؛ به‌ویژه اگر عطر توسط زن نامحرم استعمال شده باشد. پیامبر اکرم ﷺ در ضمن روایتی، ورود زن معطر را به مجلسی که در آن نامحرم حضور دارد، برابر با ورود زن زناکار می‌داند (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۶۱۱).

۵. نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد عفاف در معنای دینی، غلبه عقل بر احساسات و شهوات انسان در فکر، و پرهیز از هرگونه معصیت و خطایی در عمل و توجه به کرامت انسان در ارتباط با دیگران (محرم و نامحرم) است. این هنجار دینی اگر در جامعه اسلامی حاکم شود، ارتباطات انسانی پدیدار متفاوتی از عدم وجود آن خواهد داشت که در این مقاله سعی در توضیح و تفسیر این پدیدار در کنش‌ها و نشانه‌ها را داشتیم.

کرامت نفس در ارتباطات را می‌توان با نظریه هربرت مید درباره تعامل نمادین توضیح داد. انسان در ارتباط با دیگران، پیام‌هایی جهت برخورد و نوع رفتار دیگران با خویش از خود ارسال می‌کند. حال کسی که برای خود در نظر دیگران احترام قایل شود می‌کوشد پیامی به دیگران ارسال کند که

آنها در رفتار با او احترامش را حفظ کنند و به رابطه‌ای انسانی دست یابند. شاید این مفهوم به مفهوم کرامت نفس در نگاه اسلام نزدیک باشد. در حقیقت کرامت نفس برآمده از خوداحترامی است؛ یعنی اینکه شخص برای خود در نظر دیگران احترام قایل شود. البته این احترام به خود که موجب کرامت نفس می‌شود از ارتباط درون‌فردی انسان آغاز می‌شود و همه سطوح ارتباطی او را پوشش می‌دهد که بر اساس آن زندگی انسان عقلانی شکل می‌گیرد. عفاف در معنای حریم شخصی، یعنی حفظ هویت جنسی خویش در مقابل دیگران، که این دیگران مرحله‌بندی می‌شوند: همسر، همجنسان، محرمان غیرهمجنس، نامحرم.

پس از تقسیم‌بندی ارتباط عقیفانه در سه تجلی کلام، نگاه و رفتار، در دو دسته ارتباطات کلامی و غیرکلامی، کوشیدیم تا عناوین فقهی و اخلاقی اسلام را در این سه تجلی و دو دسته بررسی کنیم. به دلیل اینکه برخی از عناوین در هر دو دسته تأثیرگذار بودند و احکام این نوع از عناوین میان هر دو دسته نام‌برده مشترک بودند، دسته‌ای به نام عناوین مشترک اضافه شد. براین اساس این سه دسته حاصل شدند: ۱. عناوین مشترک میان انواع اشکال ارتباطی، ۲. عناوین مربوط به ارتباطات کلامی، ۳. عناوین مربوط به ارتباطات غیرکلامی.

دسته اول عناوینی هستند که می‌توانند در هر شکلی از ارتباط میان مرد و زن مصداق یابند. در واقع این عناوین به انگیزه و احساس افراد باز می‌گردد و تشخیص آن به طور معمول تنها از طریق خود فرد امکان‌پذیر است. این دسته از عناوین می‌توانند رابطه‌ای را که به شکل معمول بلااشکال است، به رابطه‌ای حرام تبدیل کنند.

در دسته دوم عناوینی بررسی می‌شوند که در ارتباطات کلامی بین نامحرمان جریان دارند. گفتنی است که لحن و صوت کلام، مربوط به ارتباطات غیرکلامی است که در دسته سوم بررسی می‌شود. نگاه، پوشش و رفتارهای افراد از جمله عناوینی‌اند که در ارتباطات غیرکلامی بررسی می‌شوند. پس از آن عنوان‌های هر بخش را که در مباحث گذشته جداگانه مورد بررسی قرار گرفتند، از استفتائات مراجع مشهور اخیر در باب آن قضیه استخراج کردیم و در تزاخم‌ها، به فتوای آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رجوع کردیم.

هرچند که حدود فقهی ارتباط عقیفانه گسترده است، به دلیل اینکه حوزه بحث، صرفاً روابط با نامحرم است، همه احکام مربوط به عفاف در ارتباط با نامحرم به صورت جدول تدوین شد. در جدول ذیل خلاصه‌ای از عناوین مطرح‌شده آمده است.

موضوعات عناوین	تفکیک عناوین اصولی	دسته‌بندی عناوین	نام عنوان فقهی	حکم اکثر مراجع معاصر		
عناوین مشترک		زمینه فساد	تلفذ از نامحرم	حرام است		
			ریبه	حرام است		
			تحریک شهوت دیگری غیر از همسر	حرام است		
			هتک حرمت زن مسلمان	حرام است		
		انس با نامحرم	ابراز علاقه به نامحرم	چون ترس افتادن به گناه وجود دارد، جایز نیست		
			دوست داشتن نامحرم بدون اظهار	اگر مفسده نداشته باشد بلا مانع است		
عناوین مربوط به ارتباط کلامی با نامحرم	کلام	انواع تکلم	رودرود	بدون تلفذ و ریبه بلا اشکال است		
			مکالمه صوتی	بدون تلفذ و ریبه بلا اشکال است		
			نامه‌نگاری	بدون تلفذ و ریبه بلا اشکال است		
			چت	بدون تلفذ و ریبه بلا اشکال است		
		محتوای کلام	شوخی یا نامحرم	اگر با قصد لذت باشد یا بترسد به گناه بیفتد جایز نیست		
			طرح مسائل شهوت‌انگیز	حرام است		
			طرح مسائل غیرضروری	مکروه است		
		تکلم به قصد ازدواج	بدون تلفذ و ریبه بلا اشکال است			
		عناوین مربوط به ارتباط غیرکلامی میان زن و مرد نامحرم	نگاه	محدوده نگاه	مرد به زن نامحرم	نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم غیر از صورت و دست‌ها حرام است
					زن به مرد نامحرم	نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم غیر از موضعی که معمولاً پوشانده نمی‌شود حرام است
عکس و فیلم نامحرم	به عکس زن ناشناس			بدون تلفذ و ریبه بلا اشکال است		
	به عکس زن آشنا			بنا بر احتیاط واجب جایز نیست		
	به قصد ازدواج			بدون تلفذ و ریبه بلا اشکال است		
	ویدئوچت			بدون تلفذ و ریبه بلا اشکال است		
نگاه به افراد خاص	مستهجن و نگهداری آن			از آنجاکه معمولاً محرک شهوت و مقدمه گناه است، حرام است		
	مرد به زن بدحجاب			بنا بر احتیاط واجب جایز نیست		
	مرد به زن آرایش کرده			حرام است		
	مرد به زن کهنسال			نگاه به مو، گردن و دست‌ها بدون تلفذ جایز است		
	مرد به زن غیرمسلمان			نگاه به جاهایی که معمولاً نمی‌پوشانند بدون تلفذ و ریبه جایز است		
	مرد به دختر بچه			بدون تلفذ و ریبه بلا اشکال است		
	مرد به قصد ازدواج			نگاه به چهره، گردن و مو بدون تلفذ و ریبه با حصول شرایط آن جایز است.		

موضوعات عناوین	تفکیک عناوین اصلی	دسته‌بندی عناوین	نام عنوان فقهی	حکم اکثر مراجع معاصر	
رفتار	محدوده پوشش		پوشش زن در برابر مرد نامحرم	پوشاندن تمام بدن به جز وجه و کفین واجب است	
			پوشش مرد در برابر زن نامحرم	پوشاندن تمام بدن به جز قسمت‌هایی که معمولاً پوشانده نمی‌شوند واجب است	
	پوشش‌های خاص			لیاس تنگ	اگر باعث تهییج شهوت باشد، جایز نیست
				لیاس شهرت	جایز نیست
				لیاس مهیج	حرام است
				لیاس مختص به جنس مخالف	بنا بر احتیاط واجب جایز نیست
				لیاس روشن و نازک	اگر باعث جلب توجه نامحرم و مفسده نشود، اشکال ندارد
				آرایش و زیور مرد	اگر تشبه به زنان باشد یا مفسده‌انگیز باشد، جایز نیست
	رفتارها			آرایش و زیور زن	باید از نامحرم پوشاند
				انتقال پیام توسط افعال بدن	بدون تلذذ و ربه بلاشکال است
				استیذان	برای ورود به اتاق نامحرم واجب است
				ملاسمه	حرام است
عطر زدن زن در برابر نامحرم				اگر موجب تحریک و مفسده باشد، جایز نیست	
تغییر لحن و صدا				صدای مهیج، با ناز و کرشمه	حرام است
مجاورت با نامحرم			اختلاط با نامحرمان	فی‌نفسه اشکالی ندارد؛ مگر اینکه منجر به گناه شود	
			خلوت با نامحرم	در صورت عدم امکان ورود و خروج دیگران حرام است	

ارتباط مگر در چارچوب دستورات دین، برانگیخته نشده، و به وجود نیامده باشد. با توجه به این تعریف، مفهوم عفاف در ارتباطات با دو عنصر پیام (کلام و رفتار) و معنا گره خورده است و این تعریف را به طور خلاصه می‌توان چنین بیان کرد: حاکمیت عفاف در ارتباطات انسانی سبب عدم ارسال و دریافت پیام شهوت‌انگیز می‌شود، مگر در چارچوب ارزش‌ها و هنجارهای دینی.

تعریف ارتباطی از عفاف موجب توجه به عناصر ارتباط همچون پیام، فرستنده، گیرنده، تأثیر، وسیله ارتباطی و زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی می‌شود. وقتی عفاف بر رفتارها و گفتارهای افراد حاکم باشد، حریم‌های شخصی حفظ می‌شوند و به امنیت روانی کسی خدشه وارد نخواهد شد. در یک نگاه نشانه‌شناختی، حجاب به منزله یکی از نمادهای عفاف ارتباطی تعریف می‌شود؛ به این معنا که نوع پوشش، معنایی را در دیگران برمی‌انگیزد و پیامی به دیگران می‌دهد. این تعریف در دو بعد سلبی و ایجابی از لحاظ ارتباطی قرار دارد.

معنای سلبی این است که نباید پوشش زن و مرد سبب تحریک شهوت جنسی یا جلب توجه نامحرم شود. کسی که با روسری و کفش قرمز با ناز و کرشمه در خیابان قدم می‌زند پیامی را به جامعه می‌دهد که برآمده از کلیشه‌های جنسی اوست؛ بنابراین نمی‌توان لزوماً فقط از مردان انتظار فرو انداختن چشم را داشت. همچنین وقتی مردی تیشرت بدن‌نما با شلوار کوتاه می‌پوشد در حقیقت به امنیت روانی زنان خدشه وارد می‌کند. همچنین از جهت ایجابی حجاب و پوشش مناسب، سبب توجه به کرامت انسانی طرف ارتباطی می‌شود؛ چنان‌که در زمان صدر اسلام، زنان آزاده و مورد احترام حجاب داشتند و محجبین به آزادگی شناخته می‌شدند.

امنیت اجتماعی نیز یکی از حکمت‌های حکم حجاب در تعریف ارتباطی قرآن از حجاب است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» (احزاب: ۵۹)؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلباب‌های (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

با توجه به کنش متقابل نمادین، حجاب زن سبب شناخت جامعه از او درباره احترامی که وی برای خود قایل است می‌شود و در مقابل کسی که برای خود احترام قایل نیست، جامعه نیز با کلیشه‌های

ارتباط عقیفانه، گونه‌ای از ارتباط انسانی است که در آن، پیامی که موجب تحریک شهوت جنسی شود (مگر در چارچوب شرع) وجود ندارد. اگر ارتباط عقیفانه را در سطح میان‌فردی در نظر بگیریم، در این ارتباط، طرفین با در نظر گرفتن کرامت انسانی یکدیگر از هرگونه پیامی که معنایی از شهوت جنسی را برانگیزاند و موجب تحریک شهوت جنسی شود مگر در چارچوب دین، پرهیز می‌کنند و این ارتباط مقوم شخصیت و احترام طرفین خواهد بود. حتی در ارتباط زناشویی هم ارتباط عفاف‌گونه به معنای رابطه جنسی بین دو انسان وجود خواهد داشت؛ چنان‌که دستورهای دینی درباره رابطه زناشویی وجود دارد.

بنابراین ارتباط عقیفانه فراگرد ارسال پیام بین فرستنده و گیرنده بر اساس کرامت انسانی است؛ به گونه‌ای که معنایی از شهوت که موجب تحریک شهوت جنسی شود، در دو سوی

ارتباط عقیفانه به مثابه نظریه‌ای فرهنگی - ارتباطی ♦ ۴۵

جنسیتی به او می‌نگرد. فهم افراد درباره‌ی ارتباط محترم بودن با عفاف، همان معانی بین‌الذهانی‌ای خواهد بود که سبب گسترش عفاف و حجاب می‌شود.

در نگاه نشانه‌شناختی، مجموعه‌ی دستورهای دین اسلام درباره‌ی عفاف، نظام ارتباط عقیفانه را در زندگی انسان به وجود می‌آورد که می‌توانیم با تقسیم‌بندی ارتباطات به ارتباطات کلامی و غیرکلامی به وجوه مختلف عفاف اشاره کنیم. این شاخص‌ها با بررسی سه پژوهش رشکیانی (۱۳۹۳)، باهنر و علم‌الهدی (۱۳۹۲) و علم‌الهدی (۱۳۹۱) به دست آمده است:

الف. ارتباطات کلامی: ۱. محتوای سخن و کلام سالم، ۲. عدم شوخی و صحبت‌های بیجا بین نامحرمان؛

ب. ارتباطات غیرکلامی: ۳. حجاب زن، ۴. پوشش مناسب مرد، ۵. غیرت مرد، ۶. کنترل نگاه در برخورد با نامحرم (ارتباط رودرو، عکس، فیلم)، ۷. کنترل فکر از افکار آلوده، ۸. پرهیز از خودارضایی، ۹. پرهیز از نازک کردن صدا (ناز و کرشمه) توسط زن در ارتباط با نامحرم، ۱۰. بلند نخندیدن بین نامحرمان، ۱۱. راه رفتن زن همراه با وقار و طمأنینه، ۱۲. عدم نمایش زینت زنانه و تبرج در جامعه، ۱۳. عدم انس و صمیمیت بین نامحرمان، ۱۴. اجتناب از خلوت و ارتباط خصوصی با نامحرم، ۱۵. عدم تقلید از الگوهای رفتاری جنس مخالف، ۱۶. عدم استفاده از عطر تحریک‌کننده در برخورد با نامحرم، ۱۷. پرهیز از شنیدن موسیقی‌های تحریک‌کننده، ۱۸. کسب اجازه در ورود به خلوت دیگری (استیذان)، ۱۹. عدم اختلاط نامحرمان در مکان‌های عمومی، ۲۰. عدم تماس جسمی نامحرمان، ۲۱. رقص همسر برای همسر، ۲۲. ازدواج دائم و ۲۳. ازدواج موقت؛

رعایت همه این دستورها در کنار هم عفاف را به وجود می‌آورد.

با توجه به آموزه‌های اسلامی، یک انسان مسلمان در رعایت عفاف باید به سطوح مختلف آن از یک‌سو، و به ارتباطات کلامی و غیرکلامی از سوی دیگر توجه داشته باشد. البته ارتباطات درون‌فردی می‌تواند مقوم حضور بهتر فرد در سطوح دیگر ارتباطات به مثابه کنش‌های متقابل با دیگران باشد. همچنین برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری با توجه به آموزه‌ی عفاف در هر یک از بخش‌های فرهنگی و ارتباطی از جمله کتاب، فیلم و سریال، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، روزنامه و مجله و برگزاری مراسم‌ها و جشن‌ها، سبب برقراری فرهنگ اسلامی در زمینه‌ی عفاف خواهد شد.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۷۸، ترجمه‌ی سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار صادر.

انگلس، فریدریک، ۱۳۸۵، *خاستگاه خانواده، مالکیت خصوصی و دولت*، ترجمه‌ی خسرو پارسا، تهران، دیگر.

ایمان، محمدتقی، ۱۳۸۸، *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

باهنر، ناصر و سیدعبدالرسول علم‌الهدی، ۱۳۹۲، «هنجارهای عفاف و حجاب اسلامی در سیما و سینما: تحلیل تطبیقی سیاست‌ها»، *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ش ۲۱، ص ۵۵-۷۹.

برکو، ری ام و همکاران، ۱۳۸۶، *مدیریت ارتباطات*، ترجمه‌ی سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

بلیک، رید و اوین هارولدسن، ۱۳۷۸، *طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات*، ترجمه‌ی مسعود اوحدی، تهران، سروش.

پاک‌نژاد، رضا، ۱۳۶۱، *اولین دانشگاه و آخرین پیامبر*، تهران: کتابفروشی اسلامیه.

پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحه*، چ چهارم، تهران، ذنیبای دانش.

پسندیده، عباس، ۱۳۸۳، *پژوهشی در فرهنگ حیا*، قم، دارالحدیث.

تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

حر عاملی، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.

حرانی، حسن‌بن شعبه، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.

خرمشاهی، بهاء‌الدین و مسعود انصاری، ۱۳۷۶، *پیام پیامبر*، تهران، منفرد.

دفلور، ملوین و دنیست اورت ای، ۱۳۸۳، *شناخت ارتباطات جمعی*، ترجمه‌ی سیروس مرادی، تهران، دانشکده صدا و سیما.

دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۴۱، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم.

رشکیانی، مهدی، ۱۳۹۳، *عفاف و برنامه‌های نمایشی رسانه*، قم، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.

سیدبن قطب بن ابراهیم شاذلی، ۱۴۱۲ق، *فی ظلال القرآن*، چ هفدهم، بیروت، دارالشروق.

شعیری، تاج‌الدین، ۱۴۰۵ق، *جامع‌الآخبار*، قم، رضی.

شلیت، وندی و نانسی لی دموس، ۱۳۸۸، *دختران به عفاف روی می‌آورند*، ترجمه‌ی سمانه مدنی و پریساپور علمداری، چ دوم، تهران، معارف.

- Eadie, William F, ۲۰۰۹, “*Communication as A Field and as A Discipline*” in *۲1st Century Communication A Refrence Handbook*, William F. Eadie (Ed), San Diego State University.
- Heinz, betina, ۲۰۰۹, “*Sexual Orientation*” in *۲1st Century Communication A Refrence Handbook*, William F. Eadie (Ed), San Diego State University.
- Kateb, George, ۲۰۱۰, *Human Dignity*, harvard university press.
- Pearce, Kevin J, ۲۰۰۹, “*Media and Mass Communication Theories.*” *Encyclopedia of Communication Theory*, SAGE Publications.<http://www.sage-reference.com/communicationtheory/Article_n۲۳۱.html>.
- Sloop, John M, ۲۰۰۹, “*Queer Approaches to Communication*” in *۲1st Century Communication A Refrence Handbook*, William F. Eadie (Ed), San Diego State University.
- West, Richard L, & Lynn H. Turner, ۲۰۰۰, *Introducing Communication Theory: Analysis and Application*, New York: McGraw-Hill.
- Wood, Julia T, ۲۰۰۹, “*Gender*” in *۲1st Century Communication A Refrence Handbook*, William F. Eadie (Ed), San Diego State University.

- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع‌البحرین*، چ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور الثقلین*، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- علم‌الهدی، سیدعبدالرسول، ۱۳۹۱، *ارتباط عقیفانه در تلویزیون و سینما*، تهران، دانشگاه امام صادق ❀.
- فروید، زیگموند، ۱۳۶۳، *روان‌شناسی*، ترجمه مهدی افشار، تهران، کاویان.
- فیاض، ابراهیم، ۱۳۸۱، *تعامل دین، فرهنگ و ارتباطات بر پایه مکتب تولید و مبادله معنا*، پایان‌نامه دکتری فرهنگ و ارتباطات، تهران، دانشگاه امام صادق ❀.
- فیسک، جان، ۱۳۸۶، *درآمدی بر مطالعات ارتباطی*، ترجمه مهدی غبرایی، تهران، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *کافی*، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، *بحار‌الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محسنیان‌راد، مهدی، ۱۳۸۲، *ارتباط‌شناسی*، چ پنجم، تهران، سروش.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ____، ۱۳۷۲، *اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب*، چ هفتم، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، *مسئله حجاب*، تهران، صدرا.
- معصومی، مسعود، ۱۳۸۶، *احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان*، چ سی و هشتم، قم، بوستان کتاب.
- معین، محمد، ۱۳۶۳، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر.
- نراقی، ملااحمد، ۱۳۷۷، *معراج‌السعادة*، تهران، دهقان.
- نراقی، ملامحمدمهدی، ۱۳۷۷، *علم اخلاق اسلامی*، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبیوی، چ چهارم، تهران، حکمت.
- ورام ابن ابی فراس، بی‌تا، *تنبيه الخواطر*، قم، مکتبه فقیه.
- Blumer, Herbert, ۱۹۶۹, *Symbolic Interactionism: Perspective and Method*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Blumer, Herbert, ۱۹۶۹, *Symbolic Interactionism: Perspective and Method*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Craig, Rabert T, ۱۹۹۹, *Communication Theory as a Field. Communication theory*, nine: two, ۱۱۹-۱۶۱.
- Craig, Robert T, & Heidi L, Muller, ۲۰۰۷, *Theorizing Communication Readings Across Traditions*, Los Angeles: sage publications.